

جهاد

روح و حقیقت آن در اسلام

ترجمه از ترکی به عربی:
احسان قاسم الصالحی

مؤلف:
فتح الله گولن

ویراستار:
عثمان نقشبندی

مترجم فارسی:
صادق آینه پور



انتشارات کردستان

سنندج

سرشناسه	:	گولن، محمد فتح‌الله
عنوان قراردادی	:	Gulen, M. Fetullah
عنوان و نام پدیدآور	:	روح الجهاد؛ و حقیقت‌ه فی الاسلام. فارسی جهاد روح و حقیقت آن در اسلام/ نویسنده محمد فتح‌الله گولن؛ ترجمه از ترکی به عربی احسان قاسم الصالحی؛ ترجمه به فارسی صادق آینه‌پور؛ ویراستار عثمان نقشبندی. سنندج: انتشارات کردستان، ۱۳۹۱.
مشخصات نشر	:	۱۹۷ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵
مشخصات ظاهری	:	978-964-980-125-7
شابک	:	فپا
وضعیت فهرست نویسی	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	:	جهاد
موضوع	:	صالحی، احسان قاسم، مترجم
شناسه افزوده	:	آینه‌پور، صادق، ۱۳۵۵ - مترجم
شناسه افزوده	:	نقشبندی، عثمان، ۱۳۵۳ -، ویراستار
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ ج ۹/۱۹۶/۵
رده بندی دیویی	:	۳۷۷/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۷۱۸۴۰۷

تمام حقوق مادی و معنوی این کتاب محفوظ و مخصوص

انتشارات کردستان (سندج) است

و هرگونه تجدید چاپ یا استفاده‌ی الکترونیکی و دیجیتالی از آن، بدون اطلاع و اجازه‌ی ناشر، ممنوع و خلاف اصول شرعی و اخلاقی و قابل پیگرد قانونی است.



انتشارات کردستان

Kurdistan Publications

سندج - بازار عزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

جهاد، روح و حقیقت آن در اسلام

✓ نام کتاب:	جهاد، روح و حقیقت آن در اسلام
✓ مؤلف:	محمد فتح الله گولن
✓ ترجمه از ترکی به عربی:	احسان قاسم الصالحی
✓ مترجم فارسی:	صادق آینه‌پور
✓ ویراستار:	شمان نقشبندی
✓ نوبت چاپ:	اول: ۱۳۹۲
✓ تیراژ:	۳۰۰۰ عدد
✓ تعداد صفحه و قطع:	۱۹۲ صفحه، رقعی
✓ ناشر:	انتشارات کردستان

قیمت: شابک: ۷-۱۲۵-۹۸۰-۹۶۴-۹۷۸

۵۰۰۰ تومان ISBN: 978 - 964 - 980 - 125 - 7

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه‌ی مؤلف.....	۲۱
✓ فصل اوّل: درباره‌ی مفهوم جهاد.....	۲۹
۱. جهاد چیست؟.....	۲۹
۲. جهاد یک امر الهی است.....	۳۲
۳. انواع جهاد.....	۳۶
الف. جهاد اکبر و جهاد اصغر.....	۳۶
ب. راه‌های منتهی به خداوند.....	۳۸
ج. آن‌چه که به پیامبر «اختصاص دارد».....	۴۰
د. و آنان که از او تبعیت کردند.....	۴۵
ه. جلب و درخواست عنایت الهی.....	۵۰
و. فهم سلف.....	۵۴
ز. آن‌چه که بر انسان امروزی ما واجب است.....	۵۵

✓ فصل دوم: وظایف جهاد ۵۹

۱. جهاد رسالت انبیاء و پیامبران ۵۹

۲. جهاد، شهادت دادن به نفع حق ۶۲

۳. جهاد سرچشمه‌ی حیات ۶۶

۴. جهاد مرتع وسیع برکت و بخشش ۷۶

۵. جهاد وسیع حیاتی که هیچ مرگی در آن نیست ۸۱

✓ فصل سوم: ربط‌های جهاد - مؤمن - هستی ۸۵

۱. جهاد وظیفه‌ی هر انسان مؤمنی است ۸۵

۲. باید که هر لحظه و هر وقت برای جهاد آماده باشیم ۹۱

۳. جهاد در هر لحظه انسان مؤمن را متحد می‌کند ۹۴

۴. افراد ربّانی نمایندگان حاکمیت ۱۰۳

۵. جهاد وسیله‌ای برای حاکمیت بر زمین ۱۱۰

آ. حاکمیت نزد موسی و افراد پیش از او ۱۱۶

ب. مفهوم حاکمیت بر زمین و جغرافیای آن از نظر ائمه محمّدی ۱۱۸

✓ فصل چهارم: دستاوردهای جهاد ۱۲۳

۱. جهاد ضامن استقرار داخلی و خارجی ۱۲۳

۲. جهاد مانع ذلت و خواری می‌شود ۱۳۱

الف. قهرمانانی که دل به دریا زدند ۱۳۶

ب. به خاطر یک زندگی عزّتمند ۱۴۰

✓ فصل پنجم: موانع جهاد..... ۱۴۵

۱. هیچ تناسبی میان جهاد و راحت طلبی نیست..... ۱۴۵

نمونه‌هایی از رفتار رسول گرامی و یاران پاک او در..... ۱۵۲

ترک رفاه و راحت طلبی..... ۱۵۲

۲. رابطی جهاد با غلبه بر زندگی..... ۱۵۸

✓ فصل ششم: نمونه‌هایی از شیفتگان جهاد..... ۱۶۷

۱. سرورمان محمد ﷺ..... ۱۶۷

۲. حضرت عمر ﷓..... ۱۶۹

۳. عمرو بن جموح ﷓ و سهد بن حبشه ﷓..... ۱۷۳

۴. جعفر بن ابی طالب ﷓..... ۱۷۵

۵. ابوعقیل ﷓..... ۱۷۶

۶. عبدالله بن عمرو ﷓..... ۱۷۷

۷. حرام بن ملحان ﷓..... ۱۷۸

۸. حمزه بن عبدالمطلب ﷓..... ۱۸۱

۹. عبدالله بن جحش ﷓..... ۱۸۳

نتیجه..... ۱۸۴

پیشگفتار ترجمه‌ی عربی

اسلام نظامی الهی است که تمام بخش‌های زندگی را با شیوه‌هایی متنوع شامل می‌شود، شیوه‌هایی که منابع حیات را تقویت می‌کنند و بر غنا و بهره‌های آن می‌افزایند. این دین، همه‌ی بشریت، و بلکه دنیا و آخرت را دربر می‌گیرد و مهم‌ترین هدف آن ارتقای انسان به اوج انسانیت و قراردادن او، هم‌چون انسانی کامل در بهترین شکل و قالب می‌باشد؛ به طوری که چنانچه ما جامعه‌ای را تصور کنیم که افراد آن کامل هستند، در آن صورت، اُمت پدید آمده از چنین افرادی به مراتبی از کمال خواهند رسید که فرشتگان آسمان در آن به مرتبه آن‌ها نمی‌رسند و در حالی که هنوز دنیا را ترک نکرده‌اند، از زندگی سرشار از نعمت بهره‌مند می‌شوند؛ و البته، می‌توان نمونه‌هایی سعادت‌مند و خوشبخت از جوامع را هم، از زمان بهترین قرن‌ها تا همین عصر ما، به عنوان نمونه‌هایی که می‌شود از آن‌ها پیروی کرد، مشاهده نمود.

اما اگر واقعیت کنونی موجود را به عنوان اساسی برای بحث و بررسی برگزینیم، با این حقیقت مواجه می‌شویم: کسانی که به عنوان نماینده‌ی اسلام و نشر دهنده‌ی آن ظهور می‌کنند، آن را نه به درستی می‌فهمند و نه آن گونه که سزاوار است تبلیغ می‌کنند و نه در حیات خودشان نیز در پرتو آن چه که در بالا گفته شد، با آن زندگی می‌کنند؛ و نتیجه‌ی طبیعی چنین چیزی هم آن

است که: اسلام، با وجود آن که همان دینی است که خداوندِ جهانیان می‌پسندد، دیگران با این نگرش به آن نگاه نمی‌کنند.

تحقیقات و پژوهش‌ها در مورد اسلام، از جهتِ تنقیح و بررسیِ مضامین و احکام و روش‌های متنوعِ آن، از دوره‌های نخستین تا به امروز، فراوان و مفصل صحبت کرده‌اند و حتی به مناقشه و محاکمه‌ی آن، چه در سطح علما و دانشمندان و چه در میان عامّه، پرداخته‌اند، که یکی از این احکام و مباحث، موضوع "جهاد در اسلام" است.

جهاد عبارت است از کوشش و تلاش، و مسلمانان، اعم از مرد و زن و پیر و جوان، مکلف به جهاد به این معنا هستند، و این جهاد - که شکلِ آن به مقتضای شرایطی که احوال و اوضاع می‌طلبد، تغییر می‌کند - در جایی فرض به حساب می‌آید و در جایی واجب و گاهی هم مباح.

همان طور که در حدیث شریف نبوی آمده است، جهاد، دو نوع است: یکی از آن دو جهادی است که انسان با نفس خود به آن می‌پردازد و همان است که "جهاد اکبر" نامیده می‌شود؛ و دومی، جهاد با دشمنان و همان چیزی می‌باشد که به آن "جهاد اصغر" گفته می‌شود، و این نوع، از دیرباز موضع مناقشه‌ای فکری با دشمنانِ اسلام بوده است؛ یعنی (انتقاد شده که): این نظامی که خود را متعهد به ارتقا دادن انسان به اوج کمال نموده چگونه جایز می‌داند که کسی را به خودش باور ندارد بکشد و زنان را به اسارت بگیرد و نسل و زندگی را از بین ببرد؟! و انتقادات دیگری شبیه به این را بر آن وارد می‌کند.

و حال آن که آن‌ها اگر توجه می‌کردند و انصاف به خرج می‌دادند و حوادث تاریخ را به دقت بررسی می‌کردند، قطعاً می‌دیدند که این باورها

چه قدر ظالمانه است و به حقیقت می‌دانستند که اسلام نظامی است که با کوتاه‌ترین و عملی‌ترین راه، دستِ انسان را به سوی کمالِ انسانیت می‌گیرد. این یک حقیقت است که اسلام، از زمان ظهورش و تا به امروز، در حالِ کشمکش و حتی، اگر شرایط اقتضاء می‌کرده، مبارزه‌ی مسلحانه با دشمنان خویش بوده است و البته در نتیجه‌ی آن کشت و کشتاری هم در دو طرف مبارزه ایجاد شده و کشته و کشته‌ای برجای مانده؛ و این هم بدان خاطر بوده که اسلام در زمان انتشار خودش در حالتی شبیه به محاصره از همه‌ی جهات به سر می‌برده و بنابراین، کاملاً طبیعی بوده که برای شکستن محاصره‌ی خود بجنگد و به همین دلیل هم مجبور به جنگ و نبرد شده تا فرصتی برای شناساندن خود بیابد.

اسلام، در خَیر القرون (: بهترین دوران)، یعنی زمان پیامبر و صحابه از طرف یهودیان و مسیحیان و مشرکان در محاصره بوده همان طور که از طرف مشرکانِ عرب و بیزانس و ساسانی نیز مورد تهدید بوده و تعصب دینی نیز، همان گونه بود که امروزه هست، عدم ظهور پیامبر از میان یهودیان و مسیحیان و هم‌چنین، ترس از ازدست رفتن امتیازات مادی و دیگر عواملِ این چنینی نیز دلیلی برای دشمنی با اسلام بود.

از طرف دیگر، وضعیتی جامعه‌ای که رسول الله ﷺ در آن رشد کرد، قطعاً وضعیتی نبود که بر آن غبطه بخورند؛ چرا که تعصب قبیله‌ای و تعصب کورکورانه‌ی آنان نسبت به اعتقاداتشان هر چند که باطل هم بود و حکم قبلی دادن در امور، و سطح پایینِ زندگی اجتماعی و تحریک یهودیان، جدای از مشکلات موجود در هنگام اجرای فرمان‌های دینی، و نیز، اعراب بادیه‌نشین که هم‌چنان از اسلام رویگردان بوده و خطر نهفته‌ای علیه آن بودند، همه‌ی

این‌ها تنها بخش ناچیزی از حلقه‌ی دشمنان علیه اسلام را نشان می‌داد و اکثر غزوه‌های پیامبر ﷺ نیز با همان مشرکان بت پرست بود.

اما مقاومت بیزانسی‌ها و ساسانیان در برابر اسلام، با تحکیم و استقرار اسلام بر روی زمین و افزایش روزافزون مسلمانان و افزایش سرعت انتشار آن همراه شد؛ چون طبیعی بود تفکری که با نگرش دنیوی محض به همه چیز می‌نگرد و منافع مادی را به عنوان پایه‌ای برای زندگی دنیوی برمی‌گزیند، با اسلام دشمنی کند، زیرا اسلام دنیای آن تفکر را در حال و آینده واژگون می‌نمود. مسلمانان، جدای از این‌که در بهترین دوران یا در سال‌های پس از آن بوده باشند، هرگز در جهادشان با دشمنان به کسی ظلم و تجاوز نکردند، زاد و ولد و زندگی و کشاورزی را از بین نبردند، روستاها و شهرها را آتش نزدند و نابود نکردند و کسی جز افراد محارب را نکشتند و بارزترین مثال در این زمینه - آن گونه که "استاد محمد حمیدالله" در کتاب خویش "غزوات الرسول" ذکر می‌کند - این است که تعداد کشته‌شدگان دو طرف در طول بیست و سه سال زندگی رسول الله ﷺ که ملو از جهاد بود، از چهارصد نفر تجاوز نکرد و حتی می‌توان که، جدای از دوران پیامبر ﷺ، نمونه‌های زیادی هم از دوران ترک‌ها که نه قرن ادامه یافت، بیان کرد.

بله، اسلام اجازه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه را داده است، اما برای آن شروطی تعیین کرده است؛ از جمله:

الف. دفاع از مسلمانان و زندگی و دارایی و نسل آن‌ها؛

ب. دفاع از آزادی اندیشه؛

ج. پای‌بندی به عهد و پیمان‌ها؛

د. این‌که به مسلمانان و کسانی که تحت مراقبت آنان قرار دارند ظلم نشود.

باید این کلام قرآن را نیز بر آن افزود که حتی در سخت‌ترین شرایط هم، تصریح می‌کند که:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾.^۱

«اگر آنان به صلح گرویدند، تو نیز بدان بگرای و بر خدا توکل کن که او شنوا و آگاه است»؛

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾.^۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی به صلح و آشتی درآیید».

و طیّ شرایطی اجازتی جهاد می‌دهد تا ابزاری برای صلح جهانی باشد. اما، متأسفانه، ما نتوانسته‌ایم که این حقایق را به همان روشنی به دیگران بفهمانیم، زیرا حقایقی که ما به صورت نظری بیان کردیم، عبارت هستند از حوادثی که ما در طول چهارده قرن با آن زندگی کرده‌ایم و اکنون در گرو برگ‌های تاریخ است. کاش که ما می‌توانستیم که آن را به اسلوب یک مورخ ماهر و توانا شرح دهیم؛ اما هیئات...! و به خاطر توضیح مسایلی که بیان کردیم و موضوعاتی که آن را ذکر نکرده‌ایم، مسئولیت‌های بزرگی بر دوش اندیشمندان مسلمان است و امیدواریم که کتابی که در پیش روی شما قرار دارد: "جهاد و حقیقت آن در اسلام"، رخنه‌ای را در این موضوع پُر کند.

"جهاد و حقیقت آن در اسلام" موضوع گسترده‌ای است که، همان طور که نویسنده در مقدمه ذکر کرده، می‌توان از جنبه‌های زیادی در مورد آن بحث کرد و ما چنانچه تلاش کنیم که به بحث و بررسی همه‌ی این جوانب پردازیم، با آن که کتاب‌های تألیف و ترجمه شده‌ی بسیاری در این موضوع وجود دارد، باز به نوشتن مجلدات زیادی نیاز داشتیم، و به همین دلیل، کتاب "جهاد و

حقیقت آن در اسلام "هم از جنبه‌های مشخصی به این موضوع پرداخته است که استاد گرامیمان نیز در مقدمه این موضوع را بیان کرده و گفته است: «اصل در اسلام صلح است نه جنگ و ما در این باره که دلالی که باعث جنگ می‌شود، تنها دفاع و جلوگیری از ظلم و گشودنِ بابِ آزادیِ ارشاد و تبلیغ می‌باشد، به تفصیل سخن گفته‌ایم.

مخاطب این کتاب مسلمانانِ مأمور به جهاد هستند و بنابراین، در آن این فصل‌ها را می‌بینیم: "وظایف جهاد، دستاوردهای جهاد، موانع جهاد، دلباختگان جهاد، آن‌هایی که الگوهای راهنما برای نسل کنونی ما هستند" که این فصل‌ها گفته‌های ما را تأیید می‌کنند و من معتقدم که خواننده‌ی گرامی نیز خود به این باور خواهد رسید.

"جهاد و حقیقت آن در اسلام" دارای شش فصل است؛

در فصل اول: به مفهوم جهاد با تحلیل آن در پرتو قرآن و سنت می‌پردازد و هریک از دو موضوع "جهاد اصغر و جهاد اکبر" را، پس از بحث مفصل درباره‌ی آن دو، در جایگاه شایستگی خود قرار می‌دهد و بدون شک نیاز شدیدی به این موضوع هم هست، زیرا که این دو مفهوم گاهی بسیار متفاوت فهمیده شده، به هنگام اجرا منجر به لغزش می‌شوند؛ مثلاً این که گفته می‌شود: جهاد، فقط جهاد اکبر است نه چیز دیگر. این‌ها تصور می‌کنند که جهاد، تنها مجاهدت با نفس بشری است، از این رو، دعوت در جهاد بیرونی را رها کرده و در کُنچ خلوت خود از همه چیز کناره‌گیری کرده‌اند و فقط به ذکرِ خداوندِ یکتا می‌پردازند در حالی که عده‌ی دیگری غیر از آنان هم هستند که فقط جهاد اصغر را در پیش گرفته‌اند و جهاد را چیزی جز جنگ با دشمنان نمی‌دانند تا جایی که کارشان به اهمال و غفلت در انجام عبادت‌های واجب رسیده است.

به همین خاطر، هر قدر که درباره‌ی دو مفهوم جهاد اصغر و اکبر صحبت شود، - إن شاء الله - زیاده‌گویی نخواهد بود برای آن که بتوان به خوبی بر آن دو احاطه پیدا کرد و آن‌ها را در زندگی کنونی بر مبنای موازین عصر پیامبر ﷺ اجرا نمود و شاید که در این کتاب مجال وسیع‌تری به این موضوع داده شده باشد.

فصل دوم کتاب، وظایف جهاد است که در آن بررسی کاملی از جهات مختلف جهاد از جنبه‌ی دنیوی انجام می‌شود و، مثلاً، در قسمت "جهاد، سرچشمه‌ی حیات" اهمیت جهاد را توضیح می‌دهد و می‌گوید: «ما از وقتی که جهاد را رها کردیم، در بین ما فرقه‌ها بروز کردند و ویرانگری پدیدار شد و دسته‌بندی‌ها و ویرانگری‌ها و اختلافات و فرقه‌هایی هم که در حال حاضر می‌بینیم، چیزی نیست جز نتیجه‌ی دانه‌های تلخ حنظل و زقومی که از آن بذره‌ای جهنمی پخش شده در آن دوران سر برآورده است و هیچ راه‌هایی‌ای از این حالت کشنده هم جز با جهاد وجود ندارد و، بنابراین، جهاد برای انسان مؤمن ارزشمندترین هدف و والاترین مثالی است که او می‌تواند جان خود را به خاطر آن فدا نماید».

در فصل سوم: "رابطه‌ی جهاد - مؤمن - هستی"، معلوم می‌شود که یکی از عوامل مکلف شدن انسان مؤمن به جهاد، حاکمیت است بر زمین، حاکمیتی که بر پایه‌ی حق و آزادی و عدالت بنیان گذاشته شده است و پایه‌گذاری این حاکمیت بر روی زمین هم مسؤولیتی است که به مؤمنان اختصاص دارد؛ یا به بیانی دیگر، این حاکمیت ذخیره شده در برنامه‌ی قدر الهی تنها با دست مؤمنان تحقق می‌یابد و به همین دلیل، هر مؤمنی معتقد است که این تکلیف

بر او واجب می‌باشد و وظیفه‌ای است که به او مربوط می‌شود؛ یعنی لازم است که فکر در این امر به کار گرفته شود و برای اجرای آن در زندگی واقعی تلاش به عمل آید. بر این اساس، در این فصل، بر روی این مفهوم و، هم‌چنین، پیوند دادن آن به عصر پیامبر ﷺ با ذکر دو نمونه، که "انس بن نصر" و "براء بن مالک" هستند، تمرکز می‌شود.

در فصل دستاوردهای جهاد، نویسنده در کنار ذکر دستاوردهای جهاد، تهدیدات و خطرات ناشی از عدم انجام این وظیفه را هم بیان می‌کند و در این فصل نیز - مانند فصل‌های دیگر - رهنمون‌هایی برای کسانی که عظمت دعوت به سوی پروردگار را درک می‌کنند، وجود دارد و شکی هم نیست که این راهنمایی‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند به ویژه اگر این سخنان و این مباحث با توجه به دوره‌ی زمانی‌ای که در آن ایراد و مطرح شده‌اند، یعنی دورانی که پیش از سال ۱۹۸۰ تروریسم بر کشور خیمه زده بود، مورد ملاحظه قرار گیرند.

بله، در زمانی که تروریسم در کشور (ترکیه) تاخت‌وتاز می‌کرد و بحران‌های داخلی و خارجی آتش فتنه را شعله‌ور می‌ساخت و روزانه ده‌ها نفر از جوانان کشته می‌شدند، در آن وقت، سخن گفتن از امنیت، امنیت جان و مال، کار بیهوده‌ای بود؛ کما این که تجارت هم تعطیل شده بود تا جایی که تاجران نمی‌توانستند که با آرامش خاطر به مغازه‌های خودشان بروند و به دلیل ترس از تهدیدها مجبور به بستن آن‌ها شده بودند. در حقیقت، تلاش استاد ما، نویسنده‌ی محترم، در رساندن این راهنمایی‌های ارزشمند یا پراکندن رایحه‌ی امیدهای روشن، به ویژه در این برهه از زمان از منبر موعظه در مسجد "بُورُنُوا" در شهر "ازمیر"، تنها تعبیری بوده است از نیت خالص او

در جهت برقراری امنیت و نظم و آرامش در این سرزمین: «در حال حاضر، هر نوع وحشت افکنی و ترور و هرج و مرج، بدون شک، منشأ خارجی دارد، زیرا بیگانگان می‌خواهند که این سرزمین شبیه به بهشت را به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل کنند و برای این هم، هیچ کاری آسان‌تر از مطیع نمودن دولتی نیست که توان خود را در اثر ترور و هرج و مرج از دست داده است و این، همان چیزی است که بیگانگان به دنبال آن هستند، آن‌ها می‌خواهند که این سرزمین تبدیل به مسعمره‌ای شود که آن را استثمار کنند و تمام تروریست‌ها و هرج و مرج‌طلب‌ها نیز فقط مزدوران آن استعمارگران هستند؛ اما - به یاری خدا - هرگز به خواسته‌ی خود نمی‌رسند و خداوند نیرنگِ آنان را از بین خواهد برد. نکته‌ی مهمی که در این جا وجود دارد این است که مشغول شدن به تروریست‌ها و هرج و مرج طلب‌ها ما را از هدفی که به سوی آن در حرکت هستیم، عقب می‌اندازد و مگر این همان چیزی نیست که دشمنان ما در درجه‌ی دوم خواهان آن هستند؟! زیرا آن‌ها می‌ترسند که روزی از روزها تنه‌ی درخت اسلام باز محکم شود و تروریست‌ها همانند الاغ‌های گریزانی شوتند که از شیر فرار می‌کنند.

موضوعی در این جا وجود دارد که هرگز نباید فراموش شود این است که: انسان مسلمان در صورتی که شرایط اقتضا کند، با نیروهای ارتش و امنیت کشور در برابر هر نوع تجاوز خارجی یا داخلی همراه می‌شود و این کار بر او واجب است و نمی‌توان تصوّر کرد که وی چنین مسؤولیت واجبی را ترک کند و همین کافی است که دولت او را فراخواند و چنین وظیفه‌ای بر عهده‌ی او بگذارد و شکی نیست که این وظیفه‌ی مکمل، منجر به عمل و اقدام دولت می‌شود و، در جهت عکس این، هر نوع حرکت فردی‌ای قطعاً زمینه‌ساز

تروریسم دیگری خواهد بود. بنابراین، مسلمانان باید نسبت به این قضیه محتاط و هوشیار باشند چراکه ترور و وحشت و بی‌نظمی از هیچ جنبه‌ی شرعی‌ای برخوردار نیستند و باید که ریشه‌ی آن‌ها خشکانده شود.

نکته‌ی دیگری که توجه را به خود جلب می‌کند، آن چیزی است که استاد محترم ما در توضیح حدیث شریفی از رسول الله ﷺ مفصل بیان کرده؛ حدیثی که ابوداود در سنن خود روایت نموده است که با وجود گذشت چهارده قرن از آن، حاوی درس‌های مفیدی برای ما در عصر حاضر می‌باشد. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِيَةِ وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ وَرَضِيتُمْ بِالزُّرْعِ وَتَرَكْتُمُ الْجِهَادَ، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَزُغُهُ حَتَّى تَوَجُّعُوا إِلَى دِينِكُمْ»^۱.

«آن وقت که معامله‌ای عیب‌گردید و دنبال دامداری رفتید و به کشاورزی راضی شدید و جهاد را ترک کردید، خداوند ذلتی بر شما مسلط می‌کند که تا وقتی که به دینتان بازنگردید آن را از شما برنمی‌دارد».

فصل پنجم کتاب، "موانع جهاد"، همان طور که از عنوان آن هم پیداست، به بخشی از جنبه‌های ضعف در ما اختصاص یافته و در آن، نظرها را با اساس قرار دادن فطرت انسانی، به برخی از مسائلی موجود یا مسایلی که احتمال وجود آن در هر انسانی وجود دارد جلب می‌کند و بعضی از محل‌های لغزش را که به فطرت انسانی اختصاص دارد، بیان می‌کند؛ لغزش‌هایی که تحقق یافته یا احتمال وقوع آن می‌رود؛ مثل میل به آسایش و رفاه؛ که هیچ

۱. ابوداود، البیوع، ۵۶؛ و احمد بن حنبل، المسند، ۴۲/۲.

۲. منظور ترک جهاد است در زمانی که جهاد معلوم و متعین و واجب است - ویراستار.

تردیدى هم در آن نیست، چراکه میل به آسایش و رفاه و غرق شدن در زندگى دنیا و ویروس خطرناكى است که روحیه‌ى جهاد را از میان مى‌برد. در حقیقت، انسان مى‌تواند که این احساسات را در راه مقدسى که به آن ایمان دارد و در مسیر خشنودى پروردگار، جهت‌دهى کند، که در این کار پیروزی و کامروایی برای دین نیز وجود دارد. بر این اساس است که این فصل به بررسی این دو مانع از زوایای گوناگون مى‌پردازد و در آن، در حالى که راه امیدهای ما را روشن مى‌گرداند و تصمیم و اراده‌هایمان را استحکام مى‌بخشد، نمونه‌هایی از بهترین دوران اسلام هم برای عبور از این دو مانع مثال مى‌زند.

اما فصل آخر، "نمونه‌هایی از دلباختگان جهاد"، ارائه‌ی تصویری است از الگوهای بزرگى که لذت جهاد را چشیدند و در هر لحظه از حیاتشان از شراب ناب آن نوشیدند، آن‌ها صحابه‌ی گرامی، همان سمبل‌های افتخار و عزت و کرامت ما هستند. در حقیقت، مى‌توان هم‌بى صحابه را در این فصل ذکر کرد زیرا که این بزرگواران تمام زندگیشان را در راه خشنودى پروردگارشان سپری کردند؛ اما، همان طور که پوشیده نیست، این کار، در چنین کتابی عملاً میسر نیست و، به همین دلیل، پس از بیان مثال‌هایی از جهاد رسول بزرگوار ﷺ، تعدادی از صحابه‌ی گرامی و موضع آنان نسبت به جهاد انتخاب و ذکر شده است.

کتاب "جهاد و حقیقت آن در اسلام" مانند کتاب‌های شبیه خود؛ مثل "النور الخالد" و "القدر فى ضوء الكتاب والسنة" اثر استاد ما فتح‌الله گولن؛ در واقع، مجموعه‌ی موعظه‌هایی است که ایشان پس از سال ۱۹۸۰ در منبر وعظ ایراد نموده است و بخشی از سلسله موعظه‌هایی است که استاد محترم ما در

مسجد "بُورُنوا"ی شهر "ازمیر" در زمانی که در آن جا واعظ بوده، بیان کرده است؛ پس این کتاب تنها مطالبی از آن موعظه‌هاست که به جهاد اختصاص داشته است.

این موعظه‌ها ابتدا بر روی دستگاه‌های ضبط صوت، ثبت شده و سپس به زبان نوشتار درآمده است و پس از انجام اصلاحاتی به دست خود استاد در آن، در صفحه‌ی دانشگاهی نشریه‌ی "زمان" به دنبال هم منتشر شده است و هنگامی که تبدیل به کتاب شد، آیات قرآن و احادیث شریف با متن عربی آن‌ها، پس از بررسی اصل و منابع آن، در کتاب گنجانده شد.

ما هم شما را با کتاب "جهاد و حقیقت آن در اسلام" تنها می‌گذاریم و تشکر و سپاس فراوان خود را هم به استاد فاضل تقدیم می‌کنیم و از مولای قادر می‌خواهیم که به ایشان صحت و سلامتی بدهد تا باز هم چنین تألیفات بدیعی را به ما هدیه دهد. هم چنین، از کلیه‌ی کسانی که در عرضه‌ی کتاب در این شکل وزین مشارکت نموده‌اند هم سپاسگزاریم.

احمد قوروجان

۱۹۹۶/۲/۲۱ - استانبول

مقدمه‌ی مؤلف

جهاد به مفهومی که همه آن را درک می‌کنند، عبارت است از مبارزه و پیکار در راه اعتلای "کلمة‌الدین" و این نبرد از زمانی که انسان خود را بر روی زمین یافته به وجود آمده و تا زمانی که خداوند زمین و هرآنچه را که بر روی آن است وارث شود هم ادامه خواهد یافت و کشمکشی که میان پسران آدم علیهما السلام روی داد نیز چیزی نیست جز اولین نمونه برای این مبارزه.

جهاد از لحاظ لغوی کلمه‌ای است دارای مفهومی وسیع که به اندازه‌ی وسعت اوضاع و پیامدهای ظروف و شرایط در هر عصری، وسعت می‌یابد، زیرا گاهی با فدا کردن اموال با ارزش محقق می‌شود و گاهی به مرحله‌ی فدا کردن جان در این راه می‌رسد و، از این رو، تعریف جهاد به "جنگیدن با دشمنان"، تنها مفهوم گسترده و فراگیر آن را محدود می‌کند و از معنی آن می‌کاهد.

جهاد، در عصر ما هم ویژگی‌های جداگانه‌ای به دست آورده است، چرا که دنیای ما تبدیل به چیزی شبیه به دهکده‌ی جهانی شده و در آن، وسایل ارتباطی و حمل و نقل به صورت شگفت‌انگیزی که به خیالمان هم نمی‌آید وسعت یافته و توازن قدرت‌های جهانی تا یک درجه‌ی معین بر معنا و مفهوم آن تأثیر گذاشته است و، بنابراین، شکی نیست که شکل جهاد نیز در این عصر متفاوت خواهد بود، اما این به مفهوم تغییر کردن معنا و مضمون جهاد نیست.

بدیع الزمان سعید نورسی هم، با این سخن خود: «پیروزی بر افراد با فرهنگ و تحصیل کرده تنها با متقاعدسازی میسر است نه با فشار و اجبار»^۱، بُعد تازه‌ی دیگری بر اصطلاح جهاد افزود و، بنابراین، اگر چنانچه ما سلطه‌ی جریان فلسفه‌ی پوزیتیویستی^۲ و مکتب عقل‌گرایی، نه تنها بر جهان غرب بلکه حتی بر جهان اسلام را تصوّر کنیم، شکی نیست که رساندن اسلام به این مردم دیگر در قالب آن مفهوم محدود جهاد، یعنی جنگیدن، که اندکی پیش آن را ذکر کردیم، صورت نخواهد گرفت؛ زیرا که جهاد این‌ها تنها با انجام مقاصدای میان پایه‌های آن نظام‌هایی که آنان یکی پس از دیگری پسندیده‌اند، با باید‌های اسلام تحقق می‌یابد؛ بله، جهاد با آنان فقط با این روش، یعنی اسلوب متقاعدسازی، محقق می‌شود.

در عین حال، جهاد - حتی جهاد مادی - تنها بر مردها - و نه زنان - واجب نیست بلکه این مسئولیتی است که بر دوش هر مؤمن مسلمانی است که به شرایط تکلیف رسیده باشد، چه مرد باشد و چه زن؛ کما این که اگر نگاهی به آیات قرآن و احادیث شریفی که مربوط به جهاد است بیندازیم، این حقیقت را به وضوح مشاهده می‌کنیم با علم به این که نمونه‌های عملی آن در بهترین قرن‌ها (دوران پیامبر ﷺ) و قرن‌های پس از آن بسیار است و اگر هم بخواهیم که مثال زنده‌ای برای این حقیقت در تاریخ نزدیک خود ارائه کنیم، نبردهایی را که در اطراف آناتول و در جنگ جنائقلعه جریان یافت گواه حضور زنان و مردان در کنار هم و بلکه حتی حضور سالخوردگان و کودکان در جهاد می‌یابیم به طوری که همه، ریز و درشت، برای جهاد در راه خداوند بیرون آمدند.

۱. زندگی‌نامه‌ی بدیع الزمان سعید نورسی، ص ۹۵.

۲. اثبات‌گرایی، تجربه‌گرایی - ویراستار.

در احادیث رسول گرامی ﷺ هم، جهاد به دو بخش تقسیم شده است: "جهاد اکبر و جهاد اصغر" که در حقیقت، این تقسیم‌بندی، دو شکل است برای یک حقیقت واحد؛ چون که مقصود از جهاد اکبر، عملیاتِ اعتلا و ارتقای انسان به سطح واقعیِ انسانیت از لحاظ زندگیِ قلبی و روحی اوست؛ یعنی تلاش انسان در جهاد با نفس خویش در طول حیات خود و در هر بخش از آن، حتی در خوردن و آشامیدن و در اقامت و سفر، و مقاومت در مقابل نفس در هر چیزی که خداوند متعال خوش نمی‌دارد، و جهاد اصغر هم عبارت است از: جهاد انسان با مال و جان خویش در راه خدا به منظور دفاع و محافظت از مقدّسات خود و اگر هم احوال اقتضا نمود، جنگ رو در رو با دشمنان.

پس طبق این مفهوم فراگیر برای جهاد، جهاد اکبر مسیری است که انسان در طول حیات خویش طی می‌کند، هر جا و هرگونه و در هر شرایطی که باشد، در حالی که جهاد اصغر، فقط وقتی که ظروف اقتضا کند انسان به آن می‌پردازد و گاه‌گاه و در زمان‌های مشخصی انجام می‌گیرد.

در حقیقت، شرطِ اساسی تحققِ جهاد اصغر رابطه‌ای قوی دارد با آنچه که مجاهدانِ جهاد اکبر در نفس خود تحقق می‌بخشند و با میل و اصرار بدان پای‌بند هستند؛ آری، انسانی که در نفس خود با حقایقِ زندگی نمی‌کند که در هر عرصه‌ای که هست از آن حمایت و دفاع می‌کند، نمی‌تواند طعم پیروزی را بچشد و، بنابراین، قهرمانان جهاد ابتدا باید جهاد را در نفس خود عملی کنند و همواره با نفس خویش در جهادی مداوم بمانند تا که انسان‌هایی اخروی شوند که در حالی که هنوز در این دنیا هستند، در منازل آخرت گردش می‌کنند و پس از آن هم، بر آنان لازم است که برای کمک به قلب‌های تشنه‌ی حق و حقیقت تلاش کنند.

ما اگر نگاه دقیقی به صفحه‌های تاریخ بیندازیم، می‌بینیم که تمام کسانی که حق تبلیغ و ارشاد را کامل و درست به جا آورده‌اند، همه این راه را پیموده‌اند و، از انبیاء گرفته تا برگزیدگان و اولیاء، و یا به بیانی واضح‌تر، از رسول گرامی ﷺ تا امام ربّانی و شیخ گیلانی و مولانا خالد و بدیع الزّمان سعید نوری - خداوند همه را رحمت کند - همه بر این مسیر رفته‌اند و به همین دلیل هم، خداوند به خاطر اخلاص و صداقت آن‌ها با پروردگار، به کلامشان قدرت و تأثیر بخشیده تا آن‌جا که کاری کرده که آنان، از عصر خود تا به حال، با آثار نیک و یاد و خاطره‌های زیبایشان، هنوز زنده‌اند و خداوند آنان را در سینه‌ی مؤمنان جای داده است گویی که آن‌ها را با ثبوت حسنااتشان جاودانه ساخته است.

جهاد جنبه‌ی دیگری هم دارد که تمامی جامعه را دربر می‌گیرد و آن را شامل می‌شود و این جنبه جنبه‌ی بسیار مهمّی هم هست، زیرا که انسان بخشی از جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و جامعه خود نیز از افراد تشکیل می‌شود و بنابراین، جامعه‌ای که در آن هر فردی به هنگام انجام فریضه‌ی جهاد ابتدا هدفش جهاد با نفس خودش است، به تحقیق، چنین جامعه‌ای، جامعه‌ای به هم پیوسته و متحد می‌باشد که درهای آن به روی پدیده‌های بد زمان و مشکلات روزگار بسته است چون در آن، هر فرد وظیفه‌ی خویش را انجام داده و تجهیزات مادی و معنوی خود را آماده ساخته است و دیگر هیچ‌گاه امکان ندارد چیزی آن‌ها را از رفتن به مقصد و هدف‌هایی که به دنبال آن هستند بازدارد.

هیچ جامعه یا امتی - در هیچ عصری - از کسانی که نیاز شدید به ارشاد و تبلیغ دارند، خالی نیست و، بنابراین، انسان‌های مؤمنی که با کسانی زندگی

می‌کنند که وادی‌های گمراهی را درمی‌نوردند و به دنبال راهی برای رهایی هستند و زندگیشان را در راه هیچ تباه می‌سازند، مجبور به ادای فریضه‌ی جهاد با این افرادی هستند که با آنان در کشتی واحدِ حیاتِ زندگی مشترک دارند و این عمل، فرضی بر گردن آن‌هاست از آن لحاظ که انسانند، و از طرف دیگر، این، تکلیفِ واجبی است که خداوند بر دوش آنان گذاشته و برایشان مقرر داشته است. از این رو، هر انسانی در چارچوبِ موضع و موقعیت و شرایطِ خود بر مبنای امکانات و توان خویش، مکلف به اجرای این فریضه می‌باشد و اگر عکس این باشد، در روز حشر بزرگ، حساب وی دشوار خواهد بود.

در واقع، امت‌های بسیار زیادی - حال به هر دلیل - نقش سیطره‌آمیزِ اسلام در جهان و آنچه را که در طول تاریخ در عصر امویان و عباسیان و اخیراً در دوره‌ی عثمانی‌ها تحقق یافته است، تحمل نمی‌کنند و چشم‌های خویش را بر دیدن حقیقت می‌پوشانند و به همین دلیل هم انتظار صدور فکر دیگری غیر از این شیوه از آنان، کار بیهوده‌ای است، هم چنین، همان طور که - در همین روزگار کنونی ما - واضح است که، با وجود گذشت قرن‌ها، دشمنی دشمنان اسلام هم چنان به همان شدت و خشونت خود باقی مانده است و از همین رو می‌بینیم که روشی دوگانه را در پیش می‌گیرند و همی موارد اعمال و اقدامات منفی را به اسلام نسبت می‌دهند. غرب کتاب‌های بی‌شماری منتشر می‌کند و قلم‌هایی را به منظور پراکندنِ این اندیشه‌ی غربی در تمام جهان و واداشتن مردم به تأیید آن به کار می‌گیرد و در پیش خود، قضیه را قضیه‌ی اسلام و مسیحیت به حساب می‌آورند و در طول عصرها و قرن‌ها این سیاستِ خویش را تغییر نداده‌اند و مسلمانان، از دید آن‌ها، وحوشی‌های

درنده و خونریزهایی قاتل و جنایتکارانی پست هستند... و چه قدر دردناک است که در جهان خود ما هم برخی تحصیل کرده‌ها - با وجود تعداد کمشان - هم وجود دارند که به این افترا معتقد هستند.

به علاوه، ما در کتاب "النور الخالد محمد ﷺ مفرخة الإنسانية" هم، به شیوه‌ای مفصل، به این مفهوم فراگیر از جهاد پرداخته‌ایم و نمونه‌های زیادی از عصر نبوت ارائه نموده‌ایم و به اعتراض‌های غرب بر موضوع جهاد پاسخ داده‌ایم. بنابراین، دیگر دلیلی نمی‌بینیم که بار دیگر به این موضوع بپردازیم. ما در آن کتاب توضیح داده‌ایم که اصل در اسلام صلح است نه جنگ و به طور مشروح گفته‌ایم که عواملی که باعث جنگ می‌شود، همانا دفاع و جلوگیری از ظلم، و گشودن درهای آزادی ارشاد و تبلیغ است و بس. که علاقه‌مندان می‌توانند به آن کتاب مراجعه کنند.

مفهوم جهاد در اسلام از زمان طلوع دعوت و تا عصر کنونی ما بر یک حالت نظری صرف باقی نمانده است بلکه در هر عصری کسی پیدا شده که آن را به بهترین شکل به عملی در زندگی مبدل ساخته است. لازم به ذکر است، کسانی که پیروزی - چه کامل و چه ناقص - به دست آنان تحقق یافته، گاهی وقت‌ها هم در خود شکست می‌خورند، اما صحابه‌ی گرامی - از میان نمایندگان همه‌ی دوره‌ها - این امتیاز را دارند که همواره در اوج قرار داشتند و کسی به جایگاه بلند آنان نمی‌رسد و مؤمنانی که - بر اساس امر رسول الله ﷺ - صحابه‌ی گرامی را الگوی خود قرار داده‌اند، آنان هم بر همان مسیری حرکت می‌کردند که صحابه در آن می‌رفتند و، به اذن خداوند، در روتر حشر با آن‌ها محشور خواهند گردید.

همان طور که معلوم خواهد شد، ما، در این کتاب سعی کرده‌ایم که زیباترین نمونه‌های عملی مفهوم جهاد در اسلام را بیان کنیم.